

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنګ راد
۲۴ نومبر ۲۰۱۳

دولت "اعتدال" و ضمانت اعتدال در جامعه!

چند ماهیست که دولت "تدبیر و امید" بر سر کار آمد و اگر به برنامه، و به عملکرد چند هفته دولت روحانی از یکسو، و همچنین به زندگی و معیشت میلیون‌ها انسان دردمند و جوانان از سوی دیگر نگاهی بیندازیم، آنوقت و به راحتی، در خواهیم یافت که دولت "اعتدال"، زبان گویا و مدافع کدام طبقه در درون جامعه ایران می‌باشد. پروسه و ورود روحانی به منصب ریاست جمهوری ایران مشخص است و کمتر کسیست که بر این عقیده نباشد، روحانی از فیلتر نظامی رد و تأیید شده است که پایه هایش، بر فقر و استثمار میلیون‌ها انسان رنج‌دیده و با دستگیری و شکنجه و اعدام مخالفان ریخته شده است. در این چند دهه و از سر خیر این نظام، جامعه به میدان غارت اموال عمومی و به میداین ترس و رعب وحشت توده‌های ستم‌دیده تبدیل گردیده است و لحظه‌ای از حیات سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، خالی از خانه‌خزایی زندگانی مردم و تشدید خفقان و بگیر و ببندها نیست. در حقیقت سیاست‌های نظام را این‌گونه نوشته‌اند و همه دولت‌ها، و از جمله از دولت "سازندگی" رفسنجانی و "اصلاحات" خاتمی و "مردمی" احمدی‌نژاد گرفته، تا دولت "تدبیر و امید" روحانی، وظیفه‌ای جز، تأمین منافع سرمایه‌داران بین‌المللی و بالا کشیدن دست‌رنج کارگران و زحمت‌کشان بر عهده - نداشته - ندارند.

به واقع و علی‌رغم تبلیغات مسموم‌کننده نظام و دنباله‌روان و روشن‌فکران درونی و بیرونی آن، مبنی بر این‌که دولت کنونی تافته‌ای جدا بافته از دولت‌های قبلیست، باید بر این‌موضوع تأکید ورزید که از مسیر تخریبی جامعه و دامنه سرکوب و فقر تودمعی، نه تنها کاسته نشده است، بلکه در ابعادی گسترده‌تر هم، دارد. دولت "تدبیر و امید"، قصد و خواسته‌اش برقراری عدالت اجتماعی و اعتدال در درون جامعه نبوده و نیست؟ چرا که دولت‌ها در چنین مناسباتی فاقد ظرفیت و پتانسیل لازمه به‌منظور تغییر اوضاع به نفع مردم‌اند و کار و بارشان، فقط و فقط گسترده‌گی بی‌عدالتی‌ها، ناامنی‌های شغلی و افزودن بر صدها مصیبت سیاسی - اجتماعی در درون جامعه - بوده - و می‌باشد.

با این اوصاف و بنابه وجود هزاران فاکتور روشن و مستدل، چنین انتظاری از نظام جمهوری اسلامی و دولت‌های رنگارنگش - و آن‌هم با هر عنوانی -، پوچ و در خلاف آرمان‌های توده‌های محروم است. به بیانی فراتر و روشن‌تر در چنین نظام‌هائی، خلاقیت‌های عناصر و به تبع آن ظرفیت دولت‌ها، پیشاپیش تعیین و نوشته شده است و کسان و یا دولت‌هائی بر سر کار گمارده خواهند شد که قدرت گردش روان‌تر سیاست‌ها و اجرای عملی بهتر برنامه‌های نظام را از یک‌طرف دارا، و از طرف‌دیگر کمترین نرمشی در قبال مطالبات بدیهی کارگران و زحمت‌کشان، جوانان و زنان از خود به‌خرج ندهند.

سر در آوردن و فعالیت‌های چند ماهه دولت "اعتدال"، در خلاف حکم فوق نیست و جامعه سرمایه‌داری، ذاتاً و نفساً، طالب تداوم تحقیر انسانیت و زنده نگه داشتن میادین اعدام می‌باشد. روحانی هم برای انجام چنین کاری اعلام آمادگی نموده و بدون کمترین تردیدی، مدافع و مجری بی‌چون و چرای نظام کنونی‌ست.

اگر چه وی و بعضاً هواداران درونی و بیرونی‌اش بر این ادعا بوده و می‌باشند که دولت "تدبیر و امید" آمده است تا به معیشت و به نداری میلیون‌ها انسان رنج‌دیده که چند دهه‌ایست کمرشان، زیر چرخ‌دنده‌های استثمار و بردگی خُرد شده است، پاسخ گوید!! اگر چه روشن‌فکران درونی و بیرونی وابسته به سرمایه، بر این باور بوده و هستند که دولت روحانی آمده است تا فضای سرکوب، ترس و وحشت و اعدام‌ها را بر گرداند و به‌جای آن‌ها، "یکدلی"، "یگانگی"، "آزادی"، "دمکراسی" و "آرامش" را جایگزین نماید!! اما و در عوض روحانی، همان راهی را پیشه خود ساخته است که مابقی دولت‌ها در پی آن بودند.

آری، این‌ها شعار روحانی حول برقراری "اعتدال" بود که جامعه ایران - و آن‌هم در کوتاه مدت -، مابه ازای عملی آن را، در عدم پرداخت دست‌مزد ناچیز کارگران، در تداوم سیاست‌ها و قوانین دست و پا گیر در درون دانشگاه‌ها، در گسترش اعتیاد و در بگیر و ببندها و بالاخره در اعدام مخالفان و آن‌هم در ابعادی گسترده‌تر به‌عینه مشاهده می‌کند.

این سیمای حقیقی دولت "تدبیر و امید" می‌باشد و پُر واضح است که طرح موضوعات و مقولاتی همچون اعتدال و دمکراسی و محترم شمردن به حقوق پایه‌ی میلیون‌ها توده ستمدیده، در زیر سلطه نظام سراسر خشن و عریان، فاقد پشتوانه‌های عملی‌ست و زمانی می‌توان، تصویری از برقراری عدالت در درون جامعه ارائه داد که نظامی بر سر کار آید، تا از حقوق پایه‌ی توده‌های ستمدیده دفاع نماید؛ نظامی که امید دهنده و نویدبخش زندگی بهتر کارگران و زحمت‌کشان، و همچنین زیر بنایش، با رد عملی تفاوت‌های طبقاتی در درون جامعه ریخته شده باشد. تنها در چنین نظامی‌ست که مقوله‌هایی همچون عدالت و دمکراسی و اعتدال، ضمانت اجرائی داشته و نظام، دستان سرمایه‌داران و منفعت‌خوران را از جان و مال کارگران و زحمت‌کشان قطع خواهد نمود. این آن خواسته باطنی‌ست که میلیون‌ها انسان محروم به‌همراه فرزندان‌شان به دنبال آنند.

شهریور [سنبله] ۱۳۹۲

نومبر ۲۰۱۳

بر گرفته از نشریه شماره نوزده پیام سیاهکل